رضا روسـتاآزاد رتبه ۲۷کنکور سراسـری در سال ۱۳۵۸ بود، تحصیلات دانشگاهی‌اش را از دانشگاه صنعتی شریف آغاز کرده بود و با مدرک دکتری از دانشگاه واترلو کانادا به پایان برده بود. حالا اما تقریباً سه سالی می‌شود که ریاست دانشگاه صنعتی‌شریف را بر عهده گرفته است. در آخرین روز مهر ماه وقتی برای این گفت وگو به دانشگاه شریف رفتیم هنوز مدیران اتوبوسی به آنجا نرسیده بودند. دکتر روستاآزاد همچنان در دفتر ریاست حضور داشت و البته مطمئن بود از اینکه در دولت اعتدال برکنار خواهد شد. اهل ژست‌های روشنفکری نبود و می‌گفت از این کارها خوشش نمی‌آید؛ سر صحبت که باز شد برایمان از خیلی مسائل گفت از حضور در لانه جاسوسی در سال ۵۸ تا تعجبش از نظر برخی برای حذف شعار «مرگ بر آمریکا» در این روزها. می‌گفت از تحریم‌ها استقبال می‌کنم چون بازار داخلی را رونق داده‌اند، از تغییر و تحولات وزارت علوم گفت، حتی برایمان از اتفاقات عجیب و غریب گفت؛ حالا تمام این حرف‌ها را در یک صفحه روزنامه گرد آوردیم تا شما هم در خاطرات ما با دکتر روستاآزاد در یک بعد از ظهر پاییزی شریک باشید.

دنیا دنیای ظلم است، دنیای ستم است، دنیای حق‌کُشی است و مادامی که شما قدرت نداشته باشی نمی‌توانی با صحبت و گفت وگو ظالم را سرجایش بنشانی .

گفت وگوی اختصاصی کیهان با دکتر رضا روستاآزاد رئیس دانشگاه صنعتی شریف:

دانشگاه باید ثبات داشته باشد

مصاحبه از : سید محمد اعرابی

***آقای روستا آزاد اول یک معرفی از خودتان بفرمایید از سوابق علمی، تحصیلاتی و کاری و چه شد که به دانشگاه شریف رسیدید؟**

من دوران دبیرسـتان را در دبیرستان خوارزمی گذراندم و از همان سـال ۵۸ که فارغ‌التحصیل شدم در همان سال امتحان کنکور دادم و رتبه ۲۷ کنکور سراسری شدم.

*** چه سالی؟**

سـال ۵۸. دانشـگاه صنعتی شـریف را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم و برحسـب علاقه در دانشـکده مهندسـی شیمی یا همان نفت امروزی مشـغول شدم. در بحث انقلاب فرهنگی و موضوع تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، دانشگاه تعطیل شد و من وارد فعالیت‌های جدی فوق برنامه شـدم. در نهضت سوادآموزی وارد شدم بعد به جهاد سازندگی رفتم. بعد جهاد دانشگاهی رفتم. چند وقتی هم در صدا و سـیما مشغول بودم و خلاصه اینکه در حوزه‌های گوناگونی فعال بودم.

در لانه جاسوسی آمریکا نیز مشغول و درگیر ترجمه اسناد جاسوسی و محرمانه آمریکایی بودم.

*** جزء دانشجویانی بودید که وارد سفارت خانه شدید؟**

نه، بنده جزو سری دوم بودم. بعد از آنکه سفارت را تسخیر کردند و اسناد را به دست آوردند؛ بنده چون تسلط داشتم بر زبان انگلیسی به عنوان مترجم مدارک کمک می‌کردم.

یعنی در این ۳ سال تعطیلی دانشگاه‌ها، از سال ۵۹ تا سال ۶۱ بنده در جهاد سـازندگی، جهاد دانشگاهی، عقیدتی سیاسی ارتش، نهضت سـوادآموزی، صدا و سیما لانه جاسوسی و خیلی مکان‌های دیگر حضور داشتم و کمک می‌کردم.

سـال ۶۱ هنگام بازگشایی دانشـگاه‌ها به دانشگاه صنعتی اصفهـان رفتم و آنجا ادامه تحصیل دادم. مدتی در جبهه حضور داشـتم و در عین حال نیز درحوزه علمیه اصفهان درس‌طلبگی هم می‌خواندم. آن زمان در تهران نیز درس‌های دینی را پیگیری می‌کردم.

*** کدام حوزه؟**

مدرسه مرحوم مجتهدی تا سال ۶۴ که فارغ‌التحصیل شدم از مقطع کارشناسی.

چون رتبه اول دانشـگاه بودم برای بورس پذیرفته شـدم و سـال ۶۶ الی ۶۸ را در ترکیه گذراندم بعد از ۶۸ نیز برای ادامه تحصیل راهی کانادا شـدم، دانشگاه واترلو. در آنجا از سال ۶۸ تا ۷۲ را بعنوان دوره دکتری مشغول به تحصیل بودم.

برای دوره پسادکتری نیز راهی آلمان شدم. یک مدت خیلی کوتاهـی در آلمـان بودم که منتهی علاقه‌ای بـه ادامه این دوره نداشتم و به ایران برگشتم.

از سال ۷۲ که به ایران برگشتم در دانشگاه شریف مشغول شدم و تا به حال که سال ۹۲ است، ۲۰ سال است که در دانشگاه شریف هستم.

*** در دانشـگاه شریف چه مسـئولیت‌هایی بر عهده داشته‌اید؟**

در این مدت هم علاوه بر تحصیل و تدریس، مسئولیت‌های مختلف داشـتم، معاون دانشجویی دانشـکده بودم، رئیس مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی دانشگاه بودم بعد رئیس دانشکده مهندسی شیمی و نفت شدم، معاون پژوهشی دانشگاه شدم و الان هم به عنوان رئیس دانشگاه توفیق خدمت دارم.

*** چه سالی ریاست دانشگاه را بر عهده گرفتید؟**

من سال ۸۹ رئیس دانشگاه شدم یعنی در دولت دهم زمانی که یک سال از آن گذشته بود. الان هم در حدود سه سال و اندی است که در این سمت حضور دارم.

*** در این سه سال و اندی از فعالیت‌ها و کارهای خود برایمان بگویید.**

خیلی کارهای زیادی در این سـه سـال و اندی انجام شده. حجم بی‌سـابقه‌ای از کارهـا انجام شـده در حوزه‌های مختلف پژوهشی، آموزشی، دانشجویی، فرهنگی، مالی و اداری . کارهایی که انجام شده خیلی گسترده‌اند .

*** شاخص‌ترین‌های فعالیت‌ها را اگر بخواهید برایمان بگویید ...**

مثلا در حوزه مالی و اداری بخواهم عرض کنم اینکه، حدود ۶۰ هکتار از اراضی از دست رفته در شمال تهران را به نفع دانشگاه احیا کردیم و اولین دانشگاهی بودیم که مجوز تاسیس پژوهشگاه صنعتی شریف را گرفتیم. که الان همین پروژه در آن زمین ۶۰ هکتاری پیگیری شده است. یک چیزی در حدود یک هکتار زمین را در محدوده کوی دانشگاه احیا کردیم.

در حدود ۲۰هکتار اراضی در غرب تهران داشتیم که در واقع آن هم احیا شـده و در حال فعال شـدن و عملیاتی شدن برای سـرویس‌دهی به دانشگاه است. برنامه سند راهبردی دانشگاه را فعال کردیم و الان دو شـورای دانشـگاه و شـورای دانشکده‌ها تدوین کردیم.

فرآینـد گـردش کار در حوزه مالی و اداری و آموزشـی را تسهیل نمودیم.

یک زمانی اگر کسـی فارغ التحصیل می‌شـد حداقل ۲ ماه زمـان می‌برد تا بتواند مدرکش را دریافت کند اما درحال حاضر روند فرآیند فارغ‌التحصیلی و دریافت مدرک به ۴۸ ساعت کاهش پیدا کرده است.

مـا یـک پردیس علـوم و فنـاوری نوین را ایجـاد کردیم. دانشجویان کارشناسی را از پردیس کیش به تهران منتقل کردیم و پردیس کیش را برای ارشد و دکتری متمرکز کردیم. یک مرکز تحقیقات اعصاب و روان در تهران ایجاد کردیم که ان شاالله بتواند یک برند خوب پژوهشـی و درمانی باشد. ما چیزی در حدود ۲۰ پژوهشکده و مرکز تحقیقات پژوهشی تاسیس کردیم که این خود بسیار قابل توجه است.

برنامه‌هـای متنوع فرهنگی و اجتماعـی در حوزه معاونت فرهنگـی فعال کرده‌ایـم و در حال حاضر بیش از ۲۰ واحد فوق برنامه فعالیت‌های فرهنگی در حال کار در دانشـگاه هسـتند از گروه‌های کوهنوردی و مباحثه بگیرید تا موارد مربوط به ایرانگردی که در حال فعالیت هستند.

در حوزه دانشجویی مسائل مربوط به تغذیه و مسائل خوابگاه و مسائل وام دانشجویی را اصلاحات خوبی را دروش انجام دادیم البته با وجود کمبودهای مالی که وجود داشـته این کارها انجام پذیرفته است.

در زمینه حوزه مالی و سرمایه‌گذاری حرکت‌های خیلی خوبی انجام داده‌ایم. چند شـرکت تاسیس کرده‌ایم تا به حال. شرکت پردیس همراه اول کیش، شرکت صدرا فن‌پرداز، اینها شرکت‌های دانش‌بنیانی هستند که حاصل فعالیت‌های علمی دانشگاه هستند و در حد بین‌الملل در حال فعالیت هستند.

در حوزه جذب ما سـاختار جذبمان را عوض کردیم که در طول ۳ سـال گذشـته چیزی در حدود ۶۰ الی ۷۰ استاد جدید جذب کرده‌ایم.

در نظام هیئت ممیزه و ترفیعات، تحولات و تحرکات خیلی خوبی انجام داده‌ایم. اینها مسـائلی است در ذهن بنده که شاید مشتی نمونه خروار باشد.

*** در زمینه پروژه‌های ملی چطور؟ پروژه‌ای به دانشگاه واگذار شده است و چه کرده‌اید؟**

در زمینه پروژه‌های ملی الان در حدود ۵ پروژه ملی را ما به طور محوری در دست داریم و در حدود ۱۰ پروژه ملی دیگر را نیز همکار هستیم. یعنی عملا چیزی در حدود ۱۵ پروژه ملی را درگیریم.

*** چه پروژه‌هایی بوده است؟**

اولین پروژه‌ای که در کشور راه افتاد پروژه ملی توربین‌ها بود که ما مجری آن هستیم و در حال پیشروی است.

ماهواره شـریف یک پروژه بسـیار اساسـی بود که در واقع ۳ دانشگاه متولی ساخت ماهواره شدند که عبارت بود از علم و صنعت، امیرکبیر و شـریف به اعتراف همگان بهترین پروژه انجام شـده را شـریف انجام داد که ان شـاالله به زودی وقتی پرتاب شود کیفیت آن را کارشناسان و مردم خواهند دید.

*** الان شما چند مورد از این پروژه‌های ملی را فرمودید اشـاره‌ای هـم کردید به سـطح علمی و وضعیت آموزشـی دانشگاه، با توجه به اینکه شما در محافل دانشگاهی حضور دارید. یک ارزیابی برای ما داشته باشید هم از سطح علمی دانشـگاه شـریف و هم سـطح علمی دانشـگاه‌های دیگر، دانشجویان و اساتید کل کشور ...**

- من اینجا اشـاره کنم به رتبه بندی که از طرف یک مرجع بین‌المللی مثل موسسه THE دو هفته پیش منتشر شد و دانشگاه صنعتی شریف رتبه‌اش در سال ۲۰۱۳ بین بازه ۲۵۰ تا ۲۷۵ اعلام شـد. در سال ۲۰۱۲ این موسسه شـاخص‌ها را بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ اعـلام کرد. این یعنی اینکه در یک سـال ما چیزی در حدود ۷۵ رتبه ارتقاء داشتیم و از ۴ سال گذشته که شما در نظر بگیرید ما ۴ سال گذشته جزو ۵۰۰ دانشگاه اول دنیا بودیم الان در میان ۲۵۰ دانشـگاه نخست دنیا هستیم یعنی ۲۵۰ رتبه ارتقا. در دنیایی که همه در حال رقابت و پیشـی گرفتن از یکدیگرند و در فضایی که اعتبارات دانشگاهی بسیار ناچیز است ما با توجه به تمهیداتی که داشتیم چیزی در حدود ۲۵۰ رتبه ارتقا، موضوع قابل توجهی است.

در زمینه اقتصاد و صنعت ما سـال گذشـته بـه عنوان یک رکـورد، نیمـی از هزینه‌های دانشـگاه را از دولت گرفتیم و نیمی دیگـر آن را خودمان از طریق درآمدهـای اقتصادی و خدماتی صنعتی فراهم کردیم.

به اعتقاد ما دانشـگاه یک وضع و تراز وشـاخص بسیار بالای علمی و آموزشی دارد. اگر قبلا این فقط در حوزه آموزشی بود بعد به حوزه پژوهش هم سرایت کرد والان در حوزه فناوری و خدمات صنعتی هم در واقع سرایت کرده است.

پس هم در حوزه آموزش و هم پژوهش و هم خدمات صنعتی و هم نوآوری و فناوری ما رتبه اول کشورهستیم بلامانع.

*** در زمینه تحصیلات تکمیلی هم همین رتبه‌بندی را حفظ کرده‌اید.**

بله، نوعا وقتی آموزش می‌گویم ذهنیت کارشناسـی مدنظر است. ولی هنگامی که پژوهش می‌گوییم وقتی که خدمات علمی و صنعتی می‌گوییم اینها نوعا در حوزه تحصیلات تکمیلی مطرح‌اند. حوزه‌ای که ما سابقه خیلی زیادی هم نداریم. می‌دانید که دانشگاهها به صورت عام قبل از انقلاب فقط کارشناسی داشتند و دهه ۶۰ که دهه جنگ و مشکلات بوده، دهه ۷۰ ارشد و دهه ۸۰ دکترا به راه افتاد و با توجه به این قضیه شاید از عمر تحصیلات تکمیلی بیش از ۲۰ سال نمی‌گذرد. در حوزه دکتری شاید بیش از ۱۰ سال نمی‌گذرد و در طول این ۲۰ سـال که پژوهش، فنـاوری و ارتباط با صنعت حاصل کار آن است خب دستآورد قابل توجهی است که ما داشته‌ایم.

*** این گزارشـی بود که شما از دانشگاه صنعتی شریف دادید، می‌خواستیم نظر شما درباره فضای علمی کل کشور را نیز بدانیم.**

به نظر من آموزش عالی توسعه کمی قابل توجهی انجام داد که تقریبا می‌شـود گفت تعداد دانشـگاه‌های ما از ۵۰ تا به ۱۵۰ دانشگاه افزایش پیدا کرد.

از نظر کیفی خب آن ۱۰۰ دانشگاه جدیدالتأسیس تازه ابتدای کار هستند و نیاز به زمان دارند. اما ۵۰ دانشگاهی که از قبل داشتیم در آنها رشـد کیفی قابل توجهی صورت گرفته اسـت. نمی‌خواهم بگویم در همه ۵۰ دانشـگاه ولی حداقل ما الان ۱۰ تا ۱۵ دانشگاه برتر داریم. در این ۱۵ دانشـگاه برتر حرکات خیلی خوبی صورت گرفته و رقابت قابل توجهی دارند.

به نظر من در دانشـگاه‌های شـریف، تهـران، امیرکبیر، علم و صنعـت، تربیت‌مدرس، شهیدبهشـتی، خواجه نصیـر در حوزه شهرستان‌ها تبریز، فردوسی، مشهد، شیراز، صنعتی اصفهان، چمران اهواز، سیسـتان و بلوچسـتان، کرمان و ... در تمامی اینها حرکات خوبی صورت گرفته است.

مضاف بر اینکه برخی دانشـگاه‌های کوچک هم هسـتند که دارند تحرکات خیلی خوبی انجام می‌دهند مانند دانشگاه همدان.

این نشان می‌دهد که ما در بخش خوبی از آموزش عالی، علاوه بر رشد کمی تحرکات کیفی خوبی هم داشته‌ایم.

مثلاً در دانشگاه شیراز کارهای خوبی دارد انجام می‌شود. من همین یک ماه پیش بود که برای دفاع از یک تز دکترا دعوت شدم به دانشگاه شیراز، انصافا کاری که انجام شده بود یک کار بین رشته‌ای و خیلی خوبی بود از آن مواردی که تا مرزهای دانش پیش رفته بود.

*** در چه حوزه‌ای ؟**

در حـوزه بایوتکنولوژی؛ یـک کار خیلی خوبی بین مهندس شـیمی و دانشکده کشاورزی دانشگاه شـیراز صورت گرفته بود و انصافا می‌خواهم بگویم بسیار کار عالی بود. این فقط یک مشت نمونه خروار است. دست آقای دکتر جهانشاهی به عنوان استاد راهنمای پروژه درد نکند که خوب به علت درگیری با بیماری سـرطان در جریان همین کار از دنیا رفتند و من حقیقتا تقدیر می‌کنم از ایشان.

*** یک مقدار از خروجی این کیفیت آموزشـی که شما خیلی خوب ارزیابی کردید برایمان بگویید؛ نحوه ارتباطش با صنعت و اینکه چقدر می‌توانند به خودکفایی کشور کمک کنند؟**

ببینید دو تا نکته هسـت؛ یکی اینکه دانشـگاه چه کار دارد می‌کند، اینکه خروجی دانشگاه که این سرمایه انسانی و دانشجویان هسـتند چه کاری دارند می‌کنند. ما یک مقطعی دانشگاه‌هایمان می‌توانیم بگوییم که با صنعت ارتباط قوی نداشتند. الان دارد آرام آرام راه می‌افتـد ولـی در همین موقع خروجی‌های دانشـگاه که فارغ‌التحصیلان دانشگاه باشند تعداد قابل توجهشان در حوزه‌های مختلف جذب شـدند. حوزه صنایع دفاعی و حوزه‌های دیگر مثل نفت، گاز، پتروشیمی، انرژی اتمی ،خودرو و ... خُب اینها دست‌مایه کار و تلاش دانشگاههای ماست. البته قبول داریم دانشگاه به خاطر اینکه خودش ارتباط قوی با صنعت نداشت در واقع فرآورده‌هایش این کار را می‌کردند.

*** الان وضع چطور است؟ آن ارتباط برقرار شده؟**

الان دانشـگاه‌ها به خاطر مسـائل مختلف یک تکان خوبی خورده‌اند. یکی از این مسـائل همین تحریم است. این تحریم بازار خیلی خوبی از فرآورده و خدمات صنعتی در داخل کشـور ایجاد کرده و از طرف دیگر باعث شـده که اسـاتید تحرکاتشـان بیشتر شود، برنامه‌های پژوهشی و آزمایشی‌شان را پیش ببرند و برای آن درخواست بودجه کنند تا از فرصتی که تحریم ایجاد کرده استفاده کنند. چون می‌دانید متأسـفانه اگر تحریم نباشـد و پول و امکان خرید از خارج باشد دیگر دولت‌مردان و سرمایه‌داران و صنعتگران ما امان به داخل نمی‌دهند؛ اما الان چون امکان خرید نیست توجه به داخل بیشتر شده است.

*** به نظر بنده نقش شورا در این امر باید یک قدری تقویت شود. دانشگاه باید یک استوانه ثبات باشد. تعویض دائم و مکرر رئیس دانشگاه آن هم از دیدگاه سیاسی به نظر من غلط است.**

*** شما فکر می‌کنید اگر این تحریم‌ها نبود یک همچنین وضعی در ارتباط صنعت با دانشگاه کمتر برقرار می‌شد؟**

قطعا کمتر برقرار می‌شـد. می‌خواهـم بگویم که اصلا برقرار نمی‌شـد. اگر الان مثلا در جایی مثل دانشـگاه شـریف نیمی از اعتباراتش از ارتباط با صنعت دارد می‌آید قطعا آن موقع صفر بود. چون وقتی پول باشـد و راحت هم بشود از خارج خرید کرد دیگر هیچ کس سراغ ما نمی‌آید!

*** با این وضعیت شما نگران رفع تحریم‌ها هستید؟!**

ما حتما نگران رفع تحریم‌ها هسـتیم. نه فقط من، خیلی‌ها؛ همین الان من با مدیرعامل یکی از شرکت‌های موفق کشور حدود ۲ ساعت پیش جلسه داشتم. ایشان هم به عنوان کسی که مدیر کار کشـته‌ای در این زمینه است، با ۷۰ سال سن در این حوزه، (آقای مهندس معدلی را عرض می‌کنم) می‌گفت اگر تحریم‌ها نبود اصلا در داخل کار به ما نمی‌دادند. در حالی که الان پروژه‌های راه، سد، تونل، سـاختمان‌های خیلی معظم و قوی اینها را در واقع به شرکت‌های داخلی می‌دهند. اگر تحریم نبود حتما به خارجی‌ها می‌دادند.

***شاید به خاطر کیفیت کار به خارجی‌ها واگذار می‌کنند؛ بگذارید جور دیگری بپرسم وقتی شما به جای شرکت‌های خارجی این پروژه‌ها را انجام می‌دهید کارفرماها هم به همان اندازه راضی هستند از کارهایی که دانشگاه‌ها، دانشجویان و اساتید انجام می‌دهند؟**

بلـه، ما در بهترین کیفیت انجـام می‌دهیم. ببینید وقتی که کار گرفتن سـخت اسـت، کار خوب تحویل دادن خیلی سخت‌تر است. اگر این همکاری ما با کارفرما تداوم پیدا می‌کند و این درآمد افزایش پیدا می‌کند، خُب این نشان‌دهنده این است که کارفرماها راضی هستند از کاری که ارائه شده است و این بسیار اصل مهمی است. الآن چیزی حدود نیمی از درآمدهای ما در دانشگاه از طریق ارتباط با صنعت تأمین می‌شـود، این یعنی اعتمادسـازی شده و صنعت اعتماد پیدا کرده به دانشـگاه وگرنه در غیر این صورت که پولشان را دور نمی‌ریختند.

*** آقای دکتر حالا یک سؤالی همین جا بین صحبت‌های شـما برای من پیش آمد و آن مسـئله رفتن دانشجویان به خارج اسـت؛ با توجه به اینکه اینجا دانشـگاه شریف است شاید این اتفاق در اینجا بیشتر باشد ...**

بله؛ من یک حرف خیلی ساده‌ای می‌زنم. من می‌گویم ظرفیت جذب، برای دوره کارشناسی یک میلیون نفر در سال است. ظرفیت جذب ما برای دوره کارشناسی ارشد چیزی حدود مثلا ۲۰۰ هزار نفر در سـال اسـت شـاید هم کمتر فکر کنم ۱۵۰ هزار نفر است. ظرفیـت جذب ما برای دوره دکترا چیـزی در حدود ۱۰هزار نفر در سـال اسـت. یعنی اینکه از یک میلیون نفری که کارشناسی را تمام می‌کنند فقط چیزی حدود ۱۵۰هزار نفرشان می‌توانند ارشد بخوانند در داخل کشور و از ۱۵۰هزار نفری که دارند ارشد را تمام می‌کننـد کمتر از ۱۰هزار نفر می‌توانند وارد دکترا بشـوند. خوب اشتیاق برای درس خواندن بیش از این است و چون ظرفیت وجود ندارد دانشجویان به دانشگاه‌های خارجی مراجعه می‌کنند. بنابراین برنگشتن‌شان مسئله است. ما باید کاری کنیم که بچه‌ها برگردند از آنجا. این هم یک بحث فرهنگی و اجتماعی است.

*** این یک بخش قضیه اسـت که شـما فرمودید و خودِ دانشجویان تمایل دارند؛ سؤال من بیشتر درباره بحث اعزام بچه‌ها به خارج کشـور برای تحصیل است با توجه به اینکه شما ارزیابی خیلی خوبی از کیفیت دانشگاه‌های‌مان داشتید و معتقد بودید ارتقا پیدا کرده‌اند. می‌خواهم یک مقدار وارد سیستم سیاست گذاری خودمان بشوم، به نظر می‌رسد در سیسـتم دولتی و اجرایی ما جوری سیاست‌گذاری شده که دانشـجو را ترغیب می‌کند به تحصیل در خارج از کشـور و برای آن هزینه می‌دهـد؛ مثلا بورس ما دارد همان روالی را پیش می‌رود که ۲۵سـال پیش طی می‌کرد! مگر ما نسبت به ۲۵ سـال پیش همان قدر احتیاج به بورسیه دانشجویان داریم؟ نمی‌شود از این بودجه و هزینه‌ای که برای بورس در نظر گرفته می‌شود طور دیگری جهت شکوفا کردن و فعال کردن ظرفیت‌های داخلی‌مان استفاده شود؟**

ببینیددر حال حاضر بـورس باتوجه به محدودیت‌های ارزی که داریم عملا یک فرآیند خیلی جدی و قوی مثل سابق نیست.

*** الان چنـد وقت اسـت که این طور شـده ،این هم از همان بـرکات تحریم اسـت وگرنه قبلش بـرای حقوق هم بورس می‌کردند انگلسـتان! می‌خواهم ببینم نمی‌شود این هزینه در دانشـگاه‌های ما صرف شـود و همین دانشجویان را در خودشـان جـذب کنند و پرورش بدهنـد. با توجه به اینکه الان این کار تا حدودی انجام می‌شـود. حتی بالاتر از این، الان سطح علمی دانشگاه‌های ما در کشورهای منطقه در رتبه بالایی قرار دارد. نمی‌توانیم از کشـورهای منطقه و دیگر کشورها دانشجو جذب کنیم؟**

بله؛ ببینید نکته‌ای که وجود دارد من راجع به فنی مهندسی کـه حوزه خودم هسـتم عرض می‌کنم حالا بقیـه حوزه‌ها تفاوت دارد. الان یکی از دعواها همین است به صورت جدی. وقتی وزارت علوم یک دانشـجو را بورس می‌کند برای خارج از کشـور و تقریبا آن طوری که محاسـبات نشـان می‌دهد با شهریه‌ای که پرداخت می‌شود و با ارزی که برای دانشجو داده می‌شود و ... حساب بکنید چیزی در حدود سالی ...

*** چیـزی حدود ۴۰۰ میلیون تومان برای هر دانشـجو هزینه می‌دهند ...**

الان حرف همین اسـت؛ دانشگاه‌ها می‌گویند وزارت علوم که حاضر اسـت ۴۰۰ میلیون تومان هزینـه کند یک نفر برود بیرون دکترا بگیرد این ۴۰۰ میلیون را چرا به دانشگاه داخل نمی‌دهد؟

الان هـم تبدیـل بورس خارج به داخل را نـگاه کنید ۴۰ میلیون تومـان می‌دهد. یعنی یک دهم چیزی که خارج از کشـور می‌داد می‌دهد به دانشگاه‌های داخل. حرف این است که به جای این ۴۰ میلیون تومان اگر همان هزینه بورسیه دانشجو در خارج را بدهند به دانشگاه‌های داخل، خب دانشگاه‌های داخل تجهیزات می‌خرند مواد مصرفی می‌گیرند، توسعه می‌دهند و ظرفیت‌شان را می‌برند بالا. این سؤال درست و بجاست. به نظر من در سیاست گذاری‌مان این یک اشتباهی است. ما به جای این کار اگر این منابع مالی را در اختیار دانشگاه‌ها قرار بدهیم به نظر می‌آید که ما ظرفیت دکترا در داخل کشـورمان افزایش پیدا می‌کند؛ البته برای حفظ ارتباط‌مان با خارج از کشـور در حوزه‌های خاص خوب اسـت که یک تعداد بورس هم اعزام کنیم.

*** حـالا من برگردم بـه بحث کوتاهی که شـما قبلش داشـتید. اسـمش را ظاهرا الان می‌گذارند فرار مغزها. شما فرمودید که رفتن‌شـان به خارج زیاد از نظر شـما مشکلی نیسـت، اما مشـکل در بازگشـت آنان به داخل است. فکر می‌کنید چه طور می شود این را تسهیل کرد؟**

- در دیداری که اتفاقا با خود حضرت آقا داشتیم، فکر می‌کنم در عید پارسال یا سال قبلش بود ؛ایشان تاکید داشتند که بچه‌ها را در معرض آموزش‌های دینی ومیهنی خوب قرار دهید به نحوی که یک دانشـجوی متدین و میهن‌دوسـت و علاقه‌مند و وفادار به ملتش بار بیاید. این بحث اصلی ماسـت. اگر این طور باشـد کسی برود هم برمی‌گردد در غیر این صورت حتی در کشور هم باشدشما خاطرتان جمع باشد منشا خدمت نمی‌شود. مگر ما نداریم اساتیدی که همین جا هسـتند دارند کار هم می‌کنند ولی منشأ خدمت به کشور نیستند فقط روی حساب ملاحظاتی، دنبال منافع خودشان هسـتند.البته اگر ضربه نزنند! پس بنابراین چیزی که بسیار مهم اسـت این است که ما در معرض تابش علایق دینی، میهنی، ملی، خانوادگـی قرار بدهیم بچه‌ها را، بچه‌ها با اصل و نصب بار بیایند، مسئله فرهنگی و تربیت دینی بسیار مهم است.

*** در این دانشگاه شما چه کار کرده‌اید برای این مسائل فرهنگی؟**

سـؤال خوبی است. کارهای مختلفی انجام دادیم. یکی از این کارها این است که در بحث معاونت فرهنگی فعالیت‌های فوق برنامه متعددی تنظیم کردیم. سعی می‌کنیم در اردوها و جلساتی که با دانشـجویان داریم مثل اردوی دانشجویان جدیدالورود و یا مراسم فارغ‌التحصیلـی در آنجا با سـخنرانی‌ها و صحبت‌ها یک قدری از ایـن حرف‌ها بزنیم. دوم این که در جلسـاتی که با اسـاتید داریم صحبت‌های مختلفی را مطرح می‌کنیم تا بتوانیم اساتید را در این حوزه فعال کنیم. اسـاتید وقتی سـر کلاس می‌روند باید علاوه بر درس، از نظر فرهنگی هم روی بچه‌ها تأثیرگذار باشند.

سـعی می‌کنیم ارتباط مسـتقیمی هم با دانشجویان برقرار کنیـم؛ الان معاون فرهنگـی و مدیر فرهنگی و مدیر اجتماعی ما، می‌روند در خوابگاه ها با بچه‌ها می‌نشـینند و صحبت می‌کنند. ما اولیا را فعال کردیم و جلساتی با آنها برگزار می‌کنیم و تعامل داریم و خوشبختانه اینها جواب می‌دهد. اینها جنس کارهای اجتماعی و فرهنگی اسـت که تاثیر می‌گذارد. البته باید قضیه را تقویت کنیم چرا که کافی نیست.

*** بحث مسائل فرهنگی شد؛ یک سری اتفاقات عجیبی در دانشـگاه شما رخ می‌دهد. مثلا مواردی خودکشی دیده شده، قضیه از چه قرار بوده است؟**

اتفاقا جالب اینجاسـت که پیـش از تحویل کار به بنده در ۳ سال گذشته ما تقریبا یکی، دو مورد خودکشی داشتیم اما در حال حاضر هیچ موردی را در این سه سال نداشتیم.

*** علت چه بوده ؟آسیب‌شناسی کرده‌اید؟**

معمولا درباره احساسات جنسی بوده است. مثلا یک مورد ما داشتیم که دختر و پسر، دانشجوی دانشگاه کرمان بودند در دوره لیسـانس با هم دوست بودند و رابطه داشتند بعد دوره کارشناسی ارشد آمده‌اند اینجا. بعد به دلایلی دختر در حوزه تحصیلی از پسر جلو افتاده است و دیگر ابراز تمایل و علاقه به پسر نکرده و سپس پسـر خودکشی کرده اسـت. این یک موردی است که ما داشتیم. یک مورد دیگری ما داشتیم که پسری دانشجوی کارشناسی ارشد بـوده، یک خانم دکتری که مربی آنها بوده، آن پسـر به این خانم علاقه‌مند می‌شود و طرح علاقه می‌کند و آن خانم می‌گوید که اصلا من نامزد دارم، این چون علاقه داشته رفته و خودکشی کرده است.

برای همین هم آن بحث تفکیک جنسیتی را ما مطرح کردیم...

*** فکر می‌کنید چقدر مؤثر اسـت در این قضیه؟ اتفاقا ما با رئیس سـابق دانشگاه علامه طباطبایی همین بحث را داشـتیم ایشان حتی برای ما از چاقوکشی در دانشگاه‌شان گفتند برای همین مسائل! معتقد بودند با تفکیک جنسیتی مشکلاتشـان حل شده اسـت. به نظر شـما بحث تفکیک می‌تواند راهگشا باشد؟**

به نظر من می‌تواند موفق باشـد. علی‌رغم برخی ژسـت‌های روشـنفکری که نمی‌دانم این کارها چیست. من ابایی ندارم که از تفکیک جنسیتی حمایت کنم.

ببینید در حالت عادی دانشـجوی دختر و پسر دوست دارند در کنار هم باشند و لذت ببرند، این لذت بردن ازنظر شرعی حرام اسـت. یعنی حتی اگر شما نگاه می‌کنید به جنس مخالف و لذت می‌برید حرام اسـت. در فضای روشـنفکری می‌گویند این حرفها چیست. حرام چیست.

ولی نکته جالب اینجاست که کسی اگر پیگیری و دنبال کند که این ارتباطات نهایتاً به کجا می‌رسد، آن موقع می‌بینید که حرمت گذاشتن برای این قضیه اتفاقاً چیز درستی بوده است و با منطق قابل دفاع اسـت. بسیاری از این ارتباطات، لذت بردن با نگاه یا غیرنگاه از هم دیگر عواقب زیادی در همین دانشگاه‌ها دارد؛ من اگر امکان داشـت مسـائلی را مطرح می‌کردم که واقعاً تکان دهنده است اما شاید طرح آن خیلی از نظر اخلاقی صحیح نباشد.

*** همیـن حرفهایی که شـما زدید، نگران نیسـتید که روشنفکرها علیه شما موضع بگیرند؟**

حتماً موضـع می‌گیرند. همین الان خبرنـگار روزنامه ایران اینجا بود. مخصوصاً مطرح کرد که شـما یک روزی بحث تفکیک جنسیتی را مطرح کردید.

بنـده محکم گفتـم که الان هم می‌گویم. تصـورش این بود حالا که دولت عوض شـده، نظر من هم عوض شده؛ آن زمان یک حرفـی زدم و الان حرف دیگری می‌زنم! خیر؛ من اینطور نیسـتم الان هـم همان حرف را می‌گویم. اصـلاً باکی هم از این ندارم که کسی از گفته‌های من خوشش نیاید که نهایتاً منجر به خلع بنده شود از مسئولیت.

*** یک سـری از آن اتفاقات عجیب دانشـگاه شـما در دانشکده فیزیک اتفاق می‌افتد ...**

می‌افتاد!

*** یعنی الان دیگر رخ نمی‌دهد؟**

خیر.

*** یک مقدار از آن اتفاقات را برای ما بازگو می‌کنید؟**

بـرای چه بگوییم. اوایل خب یک سـری مشـکلات بود در دانشـکده فیزیک یا برخی از دانشکده‌ها، الآن بحمدالله با تعاملات و ایجاد ارتباط و گفت‌وگو فضای حسن ظن و تعامل بر آنها حاکم شد و دیگر از آن اتفاقات کمتر می‌افتد یا نمی‌افتد.

*** یعنـی دیگـر اسـاتید دانشـکده فیزیک شـما در کنفرانس‌های اسرائیلی مثل «مالتا» شرکت نمی‌کنند؟**

خیر؛ نمی‌کنند.

*** با این حساب خدا را شکر! چون ما آن موقع هم این جریانات را پیگیری می‌کردیم و متأثر بودیم از اینکه چنین اتفاقاتی در این دانشـگاه و توسط اساتید این دانشگاه رخ می‌دهد ...**

نه، دانشـگاه اگر سیاسـتش را اعلام کند ، این مشکلات حل می‌شـود؛ خیلی از اسـاتید واقعا نمی‌دانند که مالتا چیسـت و... می‌آیند شرکت می‌کنند به خاطر اینکه توجه ندارند، اطلاع ندارند. ولی وقتی که خبردار می‌شـوند و دانشگاه هم اعلام می‌کند، خُب شرکت نمی‌کنند.

*** یک سـؤال دیگر؛ شما در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم از رقبای آقای روحانی حمایت کردید؛ نگران نیستید که در تغییر و تحولات وزارت علوم، اتوبوس مدیران به شما هم برسد؟**

نگران نیستم؛ می‌دانم که حتماً عوض می‌شوم! [با خنده] برای چه باید نگران باشـم. ما به یک تکلیفی عمل می‌کنیم این تکلیف اگر هزینه‌ای داشته باشد هزینه آن را هم با طیب خاطر می‌پردازیم. مشـکلی نداریم؛ اتفاقاً تا همین الان خیلی‌ها فشار آوردند که بنده هم جزء رؤسای تعویض شده برخی دانشگاه‌ها باشم.

این تعویض‌ها یک حرکت فوق‌العاده سیاسی است که مخالف مصالح نظام و کشور و دانشگاه هم هست. این هزینه را ممکن است کسی بدهد و ممکن هم هست کسی نپردازد.

*** یعنی این تغییراتی کـه در وزارت علوم دولت فعلی بود را شما مثبت ارزیابی نمی‌کنید؟**

خیر؛ من آن قضیه‌ای را که مجلس مطرح کرد مبنی بر اینکه سرپرست وزیر نیست که بتواند کارهای عزل و نصب را انجام دهد کاملاً قبول دارم. البته آقای دکتر توفیقی از دوسـتان خیلی خوب من اسـت و با ایشـان ارتباط نزدیک دارم و ارادت هم دارم شخصاً به خود ایشان، ولی به نظرم می‌آید که این کارهایی که انجام شده شـاید طبق نظر خود ایشـان هم نباشد، شاید کسانی، جریاناتی و فشارهایی بوده که این کارها را انجام بدهد کما اینکه حتماً هم هست.

منتهی به نظر من کسی که مثلاً ۸ سال در یک دانشگاه مدیر بـوده، حالا یک ماه هم روی آن، تحملش کنند تا وزیر مشـخص شـود. اینکه معاون را عوض کنند و کسی با عنوان سرپرست دائماً رئیس دانشگاه عوض کند به نظر من کار درستی نیست، یک کار سیاسی است.

*** آقای دکتر ۸ سـال که خوب است! ریاست دانشگاه آزاد تنها حدود یک سال عملکرد داشت ...**

حالا دانشگاه آزاد را به صورت خاص می‌توان گفت که به وزارت علوم ربطی ندارد. آنجا مطرح شد که آقای هاشمی پیگیر این قضیه بودند. ولی در دانشگاه‌هایی مثل صنعتی اصفهان و یاسوج و علامه، به فرض اینکه عملکرد هم ایراد داشته باشد، خُب یک وزیر باید این کار را بکند. سرپرست یعنی کسی تا انتخاب وزیر آنجا باشد که کار نخواهد. بنابراین منطقاً و اصولاً این موضع مجلس ازنظر من درست است که سرپرست نباید این کارها را انجام دهد.

الان آقای توفیقی حتی برای وزارت معرفی هم نشـدند. خُب این تعویض‌ها صورت خیلی خوشی ندارد. اینکه برای یک ماه کسی بیایـد با این تغییرات و بـرای ماه بعد بگذارد و برود! علی ای حال بنده باکی از عوض شـدن ندارم. یک امانتی به بنده سـپرده شد و سـعی کردیم خدمت کنیم؛ در مجموع مملکت هم صاحب دارد، چون رئیس دانشگاه را شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم تعییـن می‌کنند. اگر این دو نهاد به این نتیجه برسـند که رئیس عوض شود باید این اتفاق بیفتد. این حق و البته وظیفه آنهاست.

*** یک بحثی همیشـه اینجا مطرح بود که شورای عالی انقلاب فرهنگی همیشه در تعیین ریاست دانشگاه ورود پیدا می‌کند و اما در برکناری‌ها دخالتی ندارد ...**

بله این حرف درست است.

*** در این شرایط آن ثباتی که می‌باید برای حرکت علمی دانشگاه منظور داشت خدشه‌دار نمی‌شود؟**

این حرف درست است. حتی شورا در تعیین هم نقش ندارد بلکه در تأیید افراد مؤثر است. خب به نظر بنده نقش شورا در این امر باید یک قدری تقویت شود.

دانشـگاه باید یک استوانه ثبات باشـد. تعویض دائم و مکرر رئیس دانشگاه آن هم از دیدگاه سیاسی به نظر من غلط است. یک وزارت‌خانه می‌تواند عوض شـود چون دستگاهی سیاسی است. اما حتی‌الامکان دانشـگاه بایستی ثبات داشته باشد تا بتواند کارهای بنیادی انجام دهد.

*** یک سؤال دیگر که برمی‌گردد به قسمت اول صحبت شما؛ فرمودید در تسخیر لانه جاسوسی هم در دور دوماش حضور داشتید؛ چیزی از آن فضا اگر برای ما دارید با توجه به اینکه الآن برخی حذف شـعار مرگ بـر آمریکا را مطرح می‌کنند؛ خوشحال می‌شویم از زبان‌تان بشنویم ...**

گفت یکی را داشتند کتک می‌زدند، فریاد می‌زد. گفتند چرا فریـاد می‌زنی؟ گفت آخه وقتی من دارم کتک می‌خورم کمترین حق من این اسـت که فریاد بزنم. اگر فریاد نزنم، دادخواهی نکنم، اعلام اعتراض نکنم که حداقل روش اعتراض است. آمریکا یک دوره طولانی‌ای واقعا به کشور ما ظلم کرده، به اعتراف اسنادی که همین اخیرا منتشر کردند کودتای ۲۸ مرداد را اینها راه انداختند. قبل از ۲۸ مرداد اینها در کشـور مسلط بودند. آدم می‌آوردند و می‌بردند؛ مثل ویروسـی که وارد یک سلول می شود، و ظرفیت آن سلول را در اختیار خودش قرار می دهد و از امکانات کشـور ما برای منافع خودشان اسـتفاده می‌کردند. قبل از انقلاب در زمان شاه جنایات بسیاری کردند، بعد از انقلاب ما کودتا و حمله به طبس را داشتیم از طرف امریکایی‌ها، جنگ ایران و عراق را داشتیم که حمایت آمریکا از صدام اظهر من‌الشمس است در آن ۸ سال، هواپیمای مسافربری ما را با نزدیک به ۳۰۰ مسـافر در هوا منهدم کردند و ریختند در خلیج فارس، درآمدهای ما را که بلوکه کردند در آمریکا، خب این همه ظلم شده به این کشور. این ملت حداقل کاری که می‌کند و اعتراض خودش را نشان می‌دهد به دولت آمریکا و سیاست‌هایش؛ همین شعار «مرگ بر آمریکا» است.

آمریکایـی نه‌تنها به ما، بلکه بـه کل دنیا دارد ظلم می‌کند، در فلسـطین و در دربه‌در شـدن فلسطینی‌ها؛ در تونس و سوریه؛ حمایت‌هایش از اسرائیل؛ هواپیمای بدون سرنشین آمریکا هر روز در افغانسـتان و پاکسـتان آدم می‌کشـند و ... من کانادا که بودم کانادایی‌هـا که از متحدان آمریکا هسـتند می‌گفتند آمریکایی‌ها حتی به ما هم ظلم می‌کنند. می‌گفتند آمریکا در قوانین تجاری و بازرگانی در حق کانادا ظلم می‌کند!

حالا دولتی که این همه ظلم می‌کند، کمترین اعتراض به آن همین شعار مرگ بر آمریکاست. حالا یک نفر می‌خواهد این شعار نباشد؛ من تعجب می‌کنم که چرا؟! مگر تغییری در رفتار آمریکایی دیده شده که بگوییم دیگر این شعار را ندهیم. شعار مرگ بر آمریکا یک حداقل اعتراض است. چطور می‌گویند این شعار باید برداشته شود، من تعجب می‌کنم!

دولتی که این همه ظلم می‌کند، کمترین اعتراض به آن همین شعار مرگ بر آمریکاست. حالا یک نفر می‌خواهد این شعار نباشد؛ من تعجب می‌کنم که چرا؟! مگر تغییری در رفتار آمریکایی دیده شده که بگوییم دیگر این شعار را ندهیم.

*** آقـای دکتر الان برخی از دانشـجویانی که آن موقع سفارت را تسخیر کردند و برخی از کسانی که حمایت کردند پشیمان شدند. شما پشیمان نیستید؟**

البته من در سری دوم رفتم برای ترجمه و انتشار اسناد لانه جاسوسی ... در یکی از آن سندها این بود که می‌گفت ابراهیم یزدی امروز آمده بود پیش من [سالیوان] و اظهار نگرانی کرد که سازمان امنیت ما بعد از انقلاب از هم پاشیده و احتیاج داریم که آمریکا به ما کمک کند تا یک سازمان امنیت جدید راه بیندازیم. این سند را من خودم ترجمه کردم. از چی باید پشـیمان باشم؟ از اینکه آقای یزدی فردای انقلاب پیش آمریکایی که با حمایت شاه این همه جنایت کرد و دسـت کمک دراز می‌کند؟! چرا باید پشـیمان باشم؟ آمریکا واقعا سیاسـتهای ظالمانه بین‌المللی دارد و مادامی که این سیاست‌اش را عوض نکند قاعدتا نه در ایران بلکه در همه ملت‌ها منفور می‌شود.

- پس شما اگر ۳۴ سال برگردید به عقب دوباره همان کار را تکرار می‌کنید در سفارت آمریکا؟

بله؛ چرا که نه!

- خیلـی ممنون؛ آقای روسـتا آزاد اگر صحبتی مانده که دوست دارید مردم و خوانندگان ما بدانند بفرمایید ...

ما انقلاب بزرگی کردیم و جمهوری اسـلامی در این کشور با نفس مسیحایی امام مستقر شده. دنیا دنیای ظلم است، دنیای ستم است، دنیای حق‌کُشی است و مادامی که شما قدرت نداشته باشی نمی‌توانی با صحبت و گفت وگو ظالم را سـرجایش بنشـانی. ما با تکیه بر انقلاب و دست‌مایه شعارها و آموزه‌هایش باید همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمایش فرمودند یک اقتدار درون‌زا و مبتنی بر ظرفیت‌های ملی و بنیادی داخلی‌مان، در جوان‌های خودمان ایجاد کنیم؛ دراین حرکت حتما خدا با ماست، دست خدا با ماست، دست خدا با مومنین و مستضعفین است. ما می‌خواهیم استقلال و عزت را بـرای خودمـان، بلکه برای همه مسـتضعفین فراهم کنیم. این وظیفه ماست، رسالت ماست و من فکر می‌کنم که با سرمایه اسلام و معنویت و تأییدات الهی این کار شـدنی اسـت. با تربیت سرمایه انسانی خوب ما می‌توانیم یک مدینه فاضله و الگو برای سایر ملت‌ها باشیم که ان‌شاءالله اگر این اتفاق بیفتد قدرت‌های ظالم و ستمگر سرجایشان می‌نشینند.

اخلاق دانشجویی

بیا با علی(ع) رفیق شو...

روایتی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانم که فرمودند:

«عُنْوَانُ صَحِیفَهِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ»

«عنوان» یعنی تیتر و سـرخط. منظور از «صحیفه» هم نامه عمل است؛

صحیفه مؤمن که می‌گویند، یعنی نامه عمل مؤمن

حالا در صحیفه چیست؟ در آن همه چیز هست.

چه مسـائل اعتقادی، چه مسـائل ملـکات و چه اعمال خارجـی، همه در آن صحیفه هسـت.حالا این تعبیر پیغمبر یعنی چه؟ تعبیر پیغمبر جنبه کنایی دارد.

«عنوانِ صحیفه» یعنـی اگر تیتر صحیفه عمل هرکس این بود که این شـخص محبّ علی(علیه السلام) است، معلوم می‌شود که تمام صحیفه اش خوب است.

یعنی این حبّ علی(علیه السلام) در ابعاد گوناگون انسانی، چه بُعد اعتقادی و چه بُعد نفسانی و جوارحی، نقش سازندگی دارد.البته این را هم دقّت داشته باشـید که حتمـاً نباید از نظـر فیزیکی با حضرت مواجهه پیدا کنیم تا با ایشـان رفیق شـویم؛رفاقت رشته محبّتی بین دو موجود است.ممکن است اینجا نباشد، اما دوستش داشته باشم، هر چند اینکه او را نبینم.

بیا با علی(علیه السلام) رفیق شو...

بیا محبت علی(علیه‌السلام) را در دلت جایگزین کن که تو را در سه بُعد می سازد.

حاج آقا مجتبی تهرانی (ره)